

www.ketab.ir

رو به باد می رفتم

برگزیده داستان‌های
سید محمد سادات اخوی
(۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸)

به انتخاب زهرا ابراهیم پور

سید محمد سادات اخوی و آثار

سرشناسه: سادات اخوی، سید محمد، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور: روبرو باد می رفتم / برگزیده داستان های
سید محمد سادات اخوی، (۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸): به انتخاب زهرا
ابراهیم پور.
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۲۳۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۵۰۶۱-۵
صفت: فهرست نویسی: فیا
موضوع: داستان های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع: Persian fiction -- 20th century
شناسه افزوده: ابراهیم پور موهر، ۱۳۵۸ -
شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر
رده بندی کنگره: PIR ۸۰۷۸
رده بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲
شماره کتاب شناسی ملی: ۸۴۲۷۰۰۳
اطلاعات رکورد کتاب شناسی: فیا



بالسکن
بالکسدر
نظرسنجی
این کتاب
شرکت
نصایب

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)



دفتر سوره مهر

رو به باد می رفتم

برگزیده داستان های سید محمد سادات اخوی

(۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸)

به انتخاب: زهرا ابراهیم پور

طراح جلد: فاطمه مکوندی

چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۵۰۶۱۹۵

نشانی انتشارات: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت،

پلاک ۲۳، تلفن: ۶۱۹۴۲، دورنگار: ۶۴۴۶۹۵۱

فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان سمیه، نبش پل به خیابان

حافظ، جنب حوزه هنری، پلاک ۲۴۵، تلفن: ۸۸۹۲۹۷۹۱-۲

فروشگاه انقلاب: تهران، خیابان انقلاب، میدان انقلاب،

جنب سینما بهمن، پلاک ۱۰۳۳، تلفن: ۶۶۴۷۶۵۶۸-۹

فروشگاه اصفهان: اصفهان، میدان انقلاب، سینما ساحل،

کدپستی: ۸۱۳۳۶۱۴۵۱۱، تلفن: ۰۳۱-۳۲۳۴۷۷۳۵-۶

Sooremehr.ir

Mehrak.ir

@Sooremehr

۶۶۴۶۰۹۹۳ (پنج خط)

۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

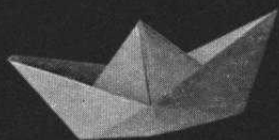
۳۰۰۵۳۱۹

نقل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

دانلود کتابخوان سوره مهر

با وارد کردن کد تخفیف (thisama) در اولین خرید خود از کتابخوان سوره مهر ۵۰٪ تخفیف بگیرید.





فهرست

دو کلمه پیش از کتاب | ۰۰۷

گلدسته‌ها و بهشت | ۰۱۳

زخم چنار بی‌بی جان | ۰۲۹

سکانس آخر | ۰۴۱

راز گربه | ۰۴۷

براق | ۰۵۱

گردهای شیشه‌ای | ۰۶۵

هشت شب | ۰۷۱

قطار دور | ۰۷۷

مسافر | ۰۸۱

سرو و بید | ۰۸۷

رازهای برفی | ۰۹۹

کیسه سهم «غزل» | ۱۱۹

- گندم‌های سبز و قرمز | ۱۲۷
کدخدا جوجه نیست | ۱۳۳
از قاب پنجره | ۱۳۹
یاس‌های زرد چشم‌آبی | ۱۴۷
آبی، شب‌نم، دریا | ۱۵۷
سایه و راز باران | ۱۶۹
نی در آینه | ۱۷۷
به جان پرستو | ۱۸۱
مورچه | ۱۹۵
لعنتی | ۲۰۱
زنه | ۲۰۷
کت بلند | ۲۱۳
دلِ آدم سیب است | ۲۲۳

دو کلمه پیش از کتاب



آدم‌ها از نوزادی به خردسالی، از خردسالی به کودکی، از کودکی به نوجوانی و از نوجوانی به جوانی می‌رسند و تا پا به میان‌سالی می‌گذارند، مسیرشان معکوس می‌شود.

تا به پیری برسند، جان می‌دهند و در پیری - به زبان خوش! - منتظر عزرائیل می‌شوند.

تفاوت دوره‌های زندگی در این است که از خامی کودکی به پختگی میان‌سالی می‌رسی و هنگام مرگ - کم‌کم - می‌توانی ادعا کنی که به اندازهٔ کودکی، خام نمانده‌ای.



وقتی در نوجوانی‌ات داستان‌نویس بشوی، به هر اندازه هم که شاگرد شوی، کتاب بخوانی و دورهٔ آموزشی بگذرانی، باز هم به اندازه‌ای که در نوجوانی تصور می‌کنی هنرمند و پخته نمی‌شوی... این را وقتی می‌فهمی که از مرز چهل‌سالگی بگذری. به زبان خوش هم نمی‌فهمی. موقعی که بنشیننی و داستان‌های

نوشته شده در نوجوانی ات را بخوانی، تازه متوجه می شوی که تا چه اندازه شتاب زده (و ذوق کرده!) داستان نوشته ای.

اگر قرار شود از سه دهه داستان نویسی پر از وسواسی که پشت سر گذاشته ای داستان هایی را دست چین و منتشر کنی، باید به چندین ملاحظه فکر کنی... که جایزه گرفتن و فلان و بهمانش بی اهمیت ترین ملاحظه خواهد شد.

یاد کسانی که شاگردشان بوده ای می افتی و دلت شور خواهد زد که اگر کتاب را بخوانند و ببینند، به اندازه کافی خشنود خواهند شد؟! و از میان آنان، یاد زنده یاد قیصر امین پور می افتی که دست کم نیمی از داستان های کتاب به اشاره و دقت نظر آن عزیز اصلاح و منتشر شده بودند. و یاد نخستین استاد داستان نویسی ات، فریدون عموزاده خلیلی، می افتی که در نوجوانی و خامی نویسندگی، نخستین اصول را صبورانه به تو آموخت.

و (با اینکه بسیار از نویسندگان دیگر آموخته ای) به یادت می آید که- بیش از همه- مدیون آثار مکتوب زنده یاد محسن سلیمانی و آموزگاری استاد سیدمهدی شجاعی بوده ای. پس لازم است- در نهایت فروتنی- این اثر ناچیز را به آنانی تقدیم کنی که حق استادی شان به گردن توست.

و یاد روزهایی می افتی که همین داستان ها در مجله ها،

روزنامه‌ها و کتاب‌هایی (به انتخاب دیگران) منتشر شده‌اند و از میان همهٔ انتخاب‌ها، یاد نویسندهٔ توانا، زنده‌یاد فیروز زُنوزی جلالی، می‌افتی که قصهٔ «دلِ آدم سیب است» را پسندید و انتخاب کرد و حتی عنوانش را بر پیشانی کتابی نوشت که برگزیده‌ای از آثار نویسندگان معاصر بود.

و سرانجام، یاد مخاطبانی می‌افتی که ممکن است در سال‌های پس از انتشار مکتوب یا مجازی این اثر، آن را تهیه کنند، بخوانند و عمر نویسندهٔ اثر به دیدار و شنیدن نظرشان نرسد. بنابراین، لازم است از همه‌شان تشکر کنی.

حالا که دیگر درجه‌بندی‌های مخاطبان (که در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ رایج بود) جدی نیست، راحت‌تریم... اما اشاره به این نکته لازم است:

نثر و ماجراهای داستان‌های بخش اول، بیش از بخش دوم، تأثیرگرفته از احوال و سادگی‌های نوجوانی‌اند! داستان‌های بخش دوم هم نشان می‌دهند که از یک‌جا به بعد سن شناسنامه‌ای نویسندهٔ کتاب هم (مانند آدم‌های دیگر) بالا رفته است!